



A Discourse Analysis of the Prophethood Passage in the Sermon of Fadak by Fāṭimah al-Zahrā'^(AS) Using the Practical Discourse Analysis Method (PDAM)

Marzieh Tali Tabasi¹ | Hasan Bashir² | Muhammad Ali Heydari Mazraeh Akhound³ | Seyyed Mahdi Nuri Kayzaqani⁴

1. PhD student in Comparative Exegesis, Faculty of Theology, Yazd University, Yazd, Iran. Email: talitabasi@iran.ir
2. Professor, Department of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadiq University (a.s.), Tehran, Iran. Email: bashir@isu.ac.ir
3. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. Email: heydari@yazd.ac.ir
4. Associate Professor, Department of Arabic Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. Email: sm.nori@hsu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 12 March 2025

Revised: 15 June 2025

Accepted: 13 October 2025

Available online 22 October 2025

Keywords:

Fāṭimah al-Zahrā',
Sermon of Fadak,
Prophethood, Practical
Discourse Analysis
Method (PDAM).



ABSTRACT

The Sermon of Fadak by Lady Fāṭimah al-Zahrā'^(AS) stands as a pivotal and enduring act of protest against injustice and tyranny. One of its central themes in the introduction is Prophethood. Some analysts, focusing on these initial passages, have treated them merely as a preamble to the core discussion, suggesting they are loosely connected to the sermon's broader context. To achieve a profound understanding of these passages and their intrinsic link to the sermon's macro-theme, this study employs the Practical Discourse Analysis Method (PDAM), a systematic theory grounded in the Islamic worldview. The Prophethood passage was analysed using this method, which is designed to uncover the complex relations governing text production, implicit narratives, and the manifest and latent meanings of the text. The analysis was conducted across five domains: Structural, Semantic, Communicative, Discursive, and Meta-Discursive. The findings indicate that Lady Fāṭimah al-Zahrā'^(AS) identified a primary catalyst for the deviations following the Prophet's^(PBUH) demise as a deficient and superficial understanding of the Prophet's station and the ultimate objectives of Prophethood. Drawing on transcendent insight from her superhuman knowledge, she presents the station of the Prophet and Prophethood as God's Pre-Creation plan. By articulating the monumental transformations brought about by the Divine Mission (Bi' thah), she marginalizes the rival discourse, which reduced the prophetic station to mere governmental authority and personalized the Prophet's commandments. Furthermore, by establishing her lineage and affiliation in this passage, she reinforces her spiritual status, a position the Prophet^(PBUH) had repeatedly affirmed.

Cite this article: Tali Tabasi, M.; Bashir, H.; Heydari Mazraeh Akhound, M., A.; Nuri Kayzaqani, S., M. (2024). A Discourse Analysis of the Prophethood Passage in the Sermon of Fadak by Fāṭimah al-Zahrā'^(AS) Using the Practical Discourse Analysis Method (PDAM). *Hadith Doctrines*, 8(15), 37-71. <https://doi.org/10.30513/hd.2025.6886.1259>





تحلیل گفتمان فراز نبوت خطبه فدکیه حضرت زهرا(س) به روش عملیاتی تحلیل گفتمان پدام (PDAM)

مرضیه تالی طبسی^۱ | حسن بشیر^۲ | محمد علی حیدری مزرعه آخوند^۳ | سید مهدی نوری کیذقانی^۴

۱. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: talitabasi@iran.ir

۲. استاد، گروه معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. رایانامه: bashir@isu.ac.ir

۳. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: heydari@yazd.ac.ir

۴. دانشیار، گروه ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. رایانامه: sm.nori@hsu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ کلیدواژه‌ها: حضرت زهرا، خطبه فدکیه، نبوت، روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پدام). 	خطبه فدکیه حضرت زهرا(س) به عنوان یکی از احتجاجات زنده علیه ظلم و طاغوت در طول تاریخ مورد توجه بوده و هست. یکی از مباحث عبارات آغازین خطبه به موضوع نبوت اختصاص دارد. بعضی از تحلیلگران از این عبارات به عنوان مقدمه‌ای برای ورود به بحث، به طوری که ارتباط چندانی با فضای کلی خطبه ندارد، عبور کرده‌اند. لذا در این پژوهش برای درک عمیق این عبارات و ارتباط آن با مبحث کلی خطبه، از میان روش‌های تحلیل گفتمان، نظریه تحلیل گفتمان پدام (PDAM) به عنوان نظریه‌ای بومی و روشمند بر مبنای بینش اسلامی انتخاب شد. فراز نبوت خطبه با این روش که به کشف روابط پیچیده تولید متن و ناگفته‌ها و معنای آشکار و پنهان متن می‌پردازد، در پنج فضای ساختاری، معنایی، ارتباطی، گفتمانی و فراگفتمانی بررسی و تحلیل شد و این نتیجه حاصل گردید که حضرت زهرا(س) یکی از عوامل انحرافات بعد از رحلت پیامبر(ص) را عدم معرفت حقیقی و عمیق به مقام نبی و نبوت و اهداف آن می‌دیده است. ایشان با بینشی فرانگرانه که برخاسته از علم فوق بشری است، مقام نبی و نبوت را طرح و برنامه خداوند پیش از خلقت بیان می‌کند و با بیان تحولات عظیمی که با بعثت انجام شد، گفتمان رقیب را که با محوریت حاکمیتی جلوه دادن مقام نبوت و شخصی سازی دستورات نبی است، به حاشیه می‌راند. همچنین با بیان انتساب خود در این فراز، به تثبیت جایگاه معنوی اش می‌پردازد که پیامبر(ص) بارها معرفی کرده بود.

استناد: تالی طبسی، مرضیه؛ بشیر، حسن؛ حیدری مزرعه آخوند، محمد علی؛ نوری کیذقانی، سید مهدی. (۱۴۰۳). تحلیل گفتمان فراز نبوت خطبه فدکیه حضرت زهرا(س) به روش عملیاتی تحلیل گفتمان پدام (PDAM). آموزه‌های حدیثی، ۱۵(۱)، ۷۱-۳۷. <https://doi.org/10.30513/hd.2025.6886.1259>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

خطبه فدکیه سندی گویا و معتبر در تبیین گری وقایع روزگار بعد از رحلت نبی اکرم (ص) است که آن را یگانه دختر ایشان، حضرت فاطمه (س) در آن دوران حساس ایراد کرد. این خطبه از طریق عامه و خاصه نقل شده و به دست ما رسیده است و محتوایش موضوعات اعتقادی، بیان اوضاع جامعه قبل و بعد بعثت، جریان کفر و نفاق، مصادره فدک، غصب ولایت و... را دربرمی گیرد. در این خطبه موضوع نبوت به عنوان دومین بحث معرفتی - اعتقادی اسلام، یکی از مباحثی است که فرازهای نخستین خطبه را بعد از فراز توحید به خود اختصاص داده است. نبوت به عنوان یکی از اصول اعتقادی مسلمانان، از مهم ترین مباحث دین به شمار می آید، اما این سؤال پیش می آید چرا حضرت بعد از رحلت نبی اکرم (ص) به معرفی مقام نبوت و نبی می پردازد، درحالی که مسلمانان عمر خود را در کنار پیامبر اکرم (ص) سپری نمودند، از نزدیک ملاقاتشان کردند و دوشادوش ایشان در جبهه نبرد و جهاد با دشمن جنگیدند و رشادات و فداکاری های بی نظیری از خود در تاریخ ثبت کردند؟ حضرت زهرا (س) در شناساندن مقام نبوت به کدام مسائل اشاره کرده است؟ چرا؟ آیا هدف از طرح بحث نبوت صرفاً تقویت باورهای اعتقادی است یا مقدمه سازی برای ورود به بحث اصلی خطبه؟ حضرت با فراز نبوت درصدد بیان چه حقایق و اسراری است؟ چرا حضرت در میان مخاطبانی که او را می شناختند، در این فراز، نسبت خود را با پیامبر (ص) چند مرتبه بیان می کند؟ با توجه به فراز نبوت در خطبه، چه عواملی علت تحولات سریع جامعه بعد از رحلت نبی اکرم (ص) هستند؟ این پژوهش درصدد است تا با روش تحلیل گفتمان به این پرسش ها پاسخ دهد.

پیشینه تحقیق: در زمینه خطبه فدکیه مقالات و کتاب های زیادی نوشته شده است که اشاره به آن ها در این مجال نمی گنجد. نویسندگان این تألیفات عمدتاً از جنبه های مختلف حدیثی، فقهی، تاریخی و ادبی، قرآنی و... بررسی کرده اند. همچنین مقالاتی با رویکرد تحلیلی نوشته شده است. برای نمونه:

۱. مهدی داوودآبادی فراهانی (۱۳۹۵ش) در مقاله «تحلیل خطبه فدکیه بر اساس نظریه کنش گفتاری»، میزان فراوانی انواع کنش‌های گفتاری، از جمله کنش اعلامی، بیانی، احساسی و انشایی و تعهدی را در خطبه فدکیه بررسی کرده است.
۲. سجادی و همکاران (۱۴۰۲ش) در مقاله «آسیب‌شناسی جامعه اسلامی، مبتنی بر تحلیل محتوای خطبه فدکیه حضرت زهرا(س)» با استفاده از روش تحلیل محتوا و تکنیک تحلیل مضمونی، به کشف جهت‌گیری‌ها و مقوله‌های کلی حاکم بر متن این خطبه پرداخته‌اند.
۳. صیادی‌نژاد و حسینی باصری (۱۳۹۷ش) در مقاله «تحلیل گزاره‌های پرسشی خطبه فدکیه بر اساس نظریه سرل»، به این نتیجه رسیده‌اند که بیشتر کنش‌های پرسشی در این خطبه کنش عاطفی و تعدادی نیز کنش ترغیبی بوده است.
با رویکرد تحلیل گفتمان نیز پژوهش‌های زیر را می‌توان نام برد:
۱. آویشی (۱۳۹۶ش) در پایان‌نامه «تحلیل گفتمان انتقادی خطبه فدکیه حضرت زهرا(س)»، بر اساس الگوی فرکلاف و چارچوب نظری لاکلا و موفه، به این نتیجه رسیده است که گفتمان حاوی قدرت دو نوع است: گفتمان قدرت‌مدار و حقیقت‌مدار. هدف گفتمان قدرت‌مدار رسیدن به قدرت مادی است و هدف گفتمان حقیقت‌مدار رسیدن به قدرت معنوی. او گفتمان حکومتی را قدرت‌مدار و گفتمان فاطمی را حقیقت‌مدار دانسته است.
۲. روشنفکر و اکبری‌زاده (۱۳۹۰ش) در مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی خطبه فدک حضرت زهرا(س)» این نتیجه را به دست داده‌اند که حضرت زهرا(س) در طول گفتمان انتقادی‌اش با استفاده از دلالت‌های کلامی و عوامل ساختاری، دلالت‌های ژرفی را مورد نظر قرار می‌دهند، از جمله اسلام و ایمان که بزرگ‌ترین دستاورد در معرض انحراف بود.
۳. مهرآیین و قبادی (۱۳۹۹ش) در مقاله «تحلیل گفتمان خطبه فدکیه حضرت زهرا(س)»، بر اساس ترکیبی از روش تحلیل گفتمان روٹ وداک و جیمز پل جی، به این نتیجه دست یافته‌اند که خطبه فدکیه بیانگر شکاف گفتمانی در حوزه‌های متنوعی است. این مقاله بیشترین تعارض و منازعه را حول محور ارث و حاکمیت

بعد از رسول خدا می داند و گفتمان خلیفه اول را تداوم دوران جاهلیت می شمارد. روش تحلیل گفتمان در پژوهش های انجام گرفته که ذکر آن ها گذشت، با روش برگزیده تحلیل گفتمان این پژوهش که روش عملیاتی پدام است تفاوت دارد. «تحلیل گفتمان با شیوه های مختلف عمدتاً ناظر به تحلیل متون رسانه ای و غیردینی است که دارای پیام خاصی بوده و معمولاً توسط افراد مختلف به صورت های مختلفی قرائت می شوند. اصول حاکم در این شیوه، حقیقت را سیال، نسبی و امکان کشف آن را تقریباً امکان پذیر نمی داند و اساساً با حقایق ثابت دینی و عدم سیالیت معنایی آن ها متناقض است. با توجه به این معضل اساسی در فهم حقیقت و دور شدن از اشکالات مبتنی بر «سیالیت معنا» یا «عدم امکان درک حقیقت»، رویکرد پدام برای تحلیل گفتمان انتخاب شد» (بشیر، ۱۳۹۷، ص ۱۵۴). لذا پژوهش حاضر از جهت شیوه تحلیلی و مؤلفه های مؤثر و دخیل در تحلیل و نتایج حاصل شده، دارای نوآوری است.

۱. مبانی نظری

۱-۱. نظریه آشنایی زدایی

«ویکتور شک洛夫سکی در سال ۱۹۱۷ مقاله بسیار مهمی به عنوان هنر یعنی صنعت (Art as device) منتشر کرد. این مقاله آن قدر مهم است که برخی آن را بیانیه فرمالیسم خوانده اند» (شمیسا، ۱۳۸۸، ص ۱۷۳). ناقدان معاصر عرب انزیاح را به «انحراف الکلام عن نمط المؤلف فی اللغة» تعریف کرده و آن را به ۴ قسم الانزیاح اللغوی (آشنایی زدایی واژگانی)، الانزیاح الصوتی (آشنایی زدایی صوتی)، الانزیاح التركيبي (آشنایی زدایی نحوی) و الانزیاح الدلالي (آشنایی زدایی معنایی) تقسیم نموده اند. در آشنایی زدایی صوتی به بررسی ايقاع و توازن ناشی از تکرار حروف و واژگان پرداخته می شود. آشنایی زدایی نحوی یا ترکیبی هر نوع هنجارگریزی را که مربوط به ساختار و دستور زبان می شود، دربرمی گیرد، از جمله: تقدیم و تأخیر، حذف، اظهار فی مقام اضممار، عدول از صیغه ماضی به مضارع و بالعکس، اطناب و التفات. در آشنایی زدایی معنایی، مسائل بیانی مثل تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه و برخی از جوانب معنوی علم بدیع بررسی می شود (خلف و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۲۵۵).

۲-۱. نظریه گفتمان

تعاریف متعددی برای گفتمان بیان شده است. در این جا به سه تعریف اشاره می‌کنیم: «گفتمان ایجاد نوعی از روابط میان الفاظ، موقعیت، فرامتن‌ها و گفتمان‌های دیگر است که در نتیجه این ارتباط، معنا در ذهن مخاطب یا قرائت‌کننده تولید می‌شود» (بشیر، ۱۴۰۰). «گفتمان حاصل تعامل کنش‌های زبانی و غیرزبانی فرهنگی صاحبان فکر و بیان و تبلور ایدئولوژی حاکم است. صورت یا ساختمان کلام برگرفته از عناصر اصلی زبان، آواها و قواعد دستوری و واژگانی است، اما آنچه معنا و پیام یک کلام را تعیین می‌کند فقط عناصر تشکیل‌دهنده صورت ظاهری آن نیست، بلکه عوامل غیرزبانی (برون زبانی) نیز در تعیین معنای کلام نقش بسیار مؤثری دارند. لذا معنا و مفهوم محتوای کلام، برابند عناصر درون زبانی (متنی) و برون زبانی (موقعیتی، فرهنگی و...) است که در تعامل با یکدیگر است» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۵). به عبارتی دیگر، «گفتمان پدیده، مقوله یا جریانی است که دارای زمینه و بستری اجتماعی است. معانی اظهارات و مطالب بیان شده، گزاره‌ها و قضایای مطرح شده، کلمات و عبارات مورد استفاده، بستگی به این نکته دارند که مطالب و گزاره‌ها کی و چگونه، توسط چه کسی یا علیه چه چیزی و یا چه کسی صورت گرفته است» (دودانگه، ۱۳۹۴، ص ۱۲).

۳-۱. نظریه انسجام

یکی از مؤلفه‌های گفتمان انسجام است که با روابط معنایی درون متن به فهم متن کمک می‌کند. «انسجام یکی دیگر از نظریات زبان‌شناسی نقش‌گرا است. از نظر هالییدی، چهار عنصر در انسجام متن مطرح است: ارجاع، جانشینی، حذف و انسجام واژگانی. این عناصر، ساختار زبان را نشانه‌گذاری می‌کنند و در کنار آن ابزاری برای تزیین سبکی و معنایی هستند» (سیدی، ۱۳۹۹، ص ۲۶۶). «متنی که انسجام دارد گزاره‌های آن برای مخاطب معنادار می‌گردد و معنای خاص خود را به دیگران انتقال می‌دهد» (سعیدی، ۱۳۹۰، ص ۱۰).

۲. روش پژوهش

۲-۱. تحلیل گفتمان

روش عملیاتی تحلیل گفتمان پدام روش برگزیده نگارندگان برای تحلیل گفتمان است. «این روش بر مبنای فرایندسازی معنا استوار است. علاوه بر آن، این معنا بر پایه ارتباط و تحولات ارتباطی شکل گرفته است که روی متن و تفسیر متن تأثیرگذار است» (بشیر، ۱۳۹۷، ص ۱۴). این روش در جدولی با ۵ ستون طراحی شده است که هر یک از این ستون‌ها به یکی از فضاها ساختاری، معنایی، ارتباطی، گفتمانی و فراگفتمانی اختصاص دارد.

«تحلیل گفتمان می‌کوشد تا نظام و آرایش فراجمله‌ای عناصر زبانی را مورد مطالعه قرار بدهد و بنابراین، واحدهای زبانی نظیر تبادلات مکالمه‌ای یا متون نوشتاری را مورد بررسی قرار می‌دهد. بر این اساس، تحلیل گفتمان با کاربرد زبان در زمینه‌های اجتماعی به‌ویژه با تعاملات یا مکالمات میان گویندگان سروکار دارد» (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱). «در تحلیل گفتمان برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه، دیگر صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل دهنده جمله، به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا سروکار نداریم، بلکه فراتر از آن ما با عوامل برون زبانی یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی و غیره سروکار داریم. بنابراین تحلیل گفتمان چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (بافت متن، واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه) و نیز کل نظام زبانی و عوامل برون زبانی (بافت اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند» (قجری، ۱۳۹۲، ص ۳۷-۳۸). تاکنون درباره تحلیل گفتمان روش‌های گوناگونی ارائه شده است. روش ون دایک، روش فرکلاف و لاکلاو و موفه از مهم‌ترین این روش‌ها هستند. «هر یک از این روش‌ها رویکردی خاص برای خود دارد، اما نوعی ابهام در شیوه عمل در آن‌ها وجود دارد و به تعبیر دیگر، نمی‌توانند نوعی از عینیت را بازنمایی کنند» (بشیر، ۱۳۹۵، ص ۱۶۳). «تحلیل گفتمان با شیوه‌های مختلف عمدتاً ناظر به تحلیل متون رسانه‌ای و غیردینی است که دارای پیام خاصی بوده و معمولاً توسط افراد مختلف به صورت‌های متفاوتی قرائت می‌شوند. تحلیل گفتمان با شیوه معمول برای متون دینی

روایی با مشکلاتی روبه‌روست. اصول حاکم بر آن حقیقت را سیال نسبی و امکان کشف آن را تقریباً امکان‌پذیر نمی‌داند و اساساً با حقایق ثابت دینی و عدم سیالیت معنایی آن‌ها متناقض است» (بشیر، ۱۳۹۷، ص ۱۵۴). با توجه به این معضل اساسی در فهم حقیقت و معنای واقعی و دور شدن از اشکال‌های مبتنی بر «سیالیت معنا» یا «عدم امکان درک حقیقت»، روش تحلیلی به‌کارگرفته‌شده در این بحث، روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پدام)^۱ است. روش عملیاتی تحلیل گفتمان به‌عنوان روشی که خطبه را در پنج فضای ساختاری، معنایی، ارتباطی، گفتمانی و فراگفتمان بررسی می‌کند، متناسب با متون دینی طراحی گردیده است و به کشف حقایق و ناگفته‌های متن می‌پردازد و معنای فراتر از متن را آشکار می‌کند.

۲-۱-۱. فضای ساختاری

ستون اول جدول به فضای ساختاری اختصاص دارد. در فضای ساختاری زبان، ساختارهای زبانی، روابط دستوری، عوامل مؤثر بلاغی مورد توجه قرار می‌گیرند. در این رابطه متن روایی به‌مثابه متنی تولیدشده در فضای خاص زبانی، از منظر ساختاری مشاهده و بررسی می‌شود (بشیر، ۱۳۹۵، ص ۲۷۴).

۲-۱-۲. فضای معنایی

«در فضای معنایی، معنای زبرین و زیرین مورد توجه است. این معنا هم در ظاهر و باطن الفاظ و جملات نهفته است و هم در اجزا و معنای کلی متن مستتر است. فضای معنایی منعکس‌کننده جهت‌گیری‌های متن برای تحقق اهداف گفتمان مورد نظر است. این فضا نوعی از «زمینه» را تبیین می‌کند که از نظر تاریخی زوایای آن منعکس نشده یا به‌صورت کامل منعکس نشده است، اما می‌توان آن را به دلیل خلق معنای خاص در دوره خاصی از تاریخ که بیش از هر چیز با قدرت حاکمیت مرتبط است به‌مثابه زمینه خلق روایت، تلقی کرد. معنا در این فضا به‌نوعی شکل‌دهنده جهت‌گیری‌های مربوط به اهداف آنی و غایی است که تکمیل‌کننده گفتمان در مراحل هم‌زمانی و در زمانی است» (بشیر، ۱۳۹۵، ص ۲۷۴).

1. Practical Discourse Analysis Method (PDAM)

۲-۱-۳. فضای ارتباطی

«در فضای ارتباطی، روابط بینامتنی میان ساختار و معنای موجود در متن با ساختارها و معناهای بیرونی متن بررسی می شوند. کشف این روابط شاید مهم ترین مرحله ای است که در تحلیل گفتمان روایی مورد توجه است. بینامتنیت های درون و بیرون متن تبیین کننده زمینه هایی گوناگون برای چرایی چگونگی و چیستی خلق گفتمان روایی است. هر جمله با توجه به تداعی جمله دیگر و چگونگی ارتباط با آن یا چگونگی تفسیر و تبیین آن، نوشته یا خلق می شود» (بشیر، ۱۳۹۵، ص ۱۴۳).

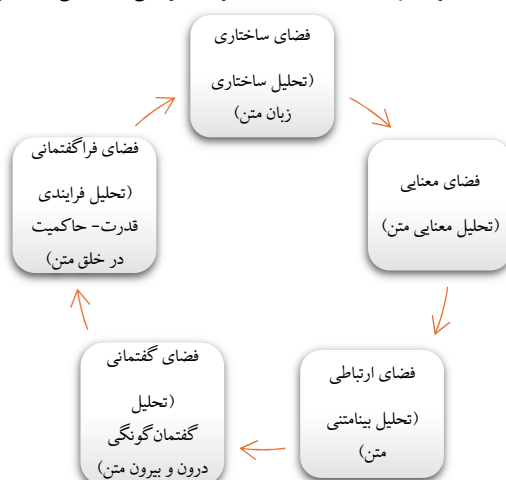
۲-۱-۴. فضای گفتمانی

«فضای گفتمانی فضای اصلی تحلیل گفتمان است. اگرچه این فضا از عوامل مختلف از جمله مواردی که در بالا گفته شد تشکیل می شود، اما هویت خاص و مستقل خود را دارد. این فضا محل تنفس گفتمانی است. در واقع، تحلیل گر با فهم این فضا در آن نفس می کشد و با تمام وجودش آن را لمس می کند. اگر چنین اتفاقی بیفتد، آن گاه تحلیل گفتمان معنا می یابد. در «فضای گفتمانی» شرایط هویت - قدرت - حاکمیت که در خلق گفتمان روایی تأثیرگذاری جدی ای دارند، مطالعه و بررسی می شود. این شرایط، تعیین کننده رویکرد گفتمانی متون روایی است. فضای گفتمانی، فراتر از گفتمان خاص روایی، گفتمانی است که تابعی از هویت - قدرت - حاکمیت در وجوه مختلف عملی، فکری تعاملی و تعارضی است. فضای گفتمانی با چنین رویکردی زمینه ای برای ضرورت طرح روایات مختلفی است که در چنین فضایی می توانند مطرح شوند. طرح این روایات از طرف دیگر، تبیین کننده همین فضای گفتمانی است. به عبارت دیگر، در این جا نوعی از مکاشفه دوسویه وجود دارد که از یک سو با فهم فضای گفتمانی به گفتمان روایی می توان پی برد و از طرف دیگر، با تحلیل گفتمان روایی می توان به فضای گفتمانی حاکم بر دوره مربوط به روایات مورد تحلیل دست یافت. فهم این فضا نیازمند آشنا شدن با بسیاری از زمینه هاست. آشنایی با زبان های مختلف می تواند تأثیرگذار باشد. مطالعه تاریخ و سیر تحولات جوامع در این زمینه مهم است» (بشیر، ۱۳۹۵، ص ۱۴۴).

۲-۱-۵. فضای فراگفتمانی

«مهم‌ترین مرحله در روش پدام این مرحله است که گفتمان حاکم بر متن با گفتمان‌های فرامتنی مفصل‌بندی می‌شوند. فرامتن فراتر از زمینه است. فرامتن در حقیقت، تمامی عناصر مؤثر در خلق و تحلیل گفتمان است. متن در یک فرامتن گسترده متولد می‌شود که بخشی از آن موقعیت و اوضاع است که زمینه یا بافت است. متن با توجه به فرامتن تاریخی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، فکری، دینی متولد می‌شود» (بشیر، ۱۳۹۹، ص ۱۵۰). «فراگفتمان متن با فراگفتمان‌های دیگر خارج از متن که گاهی نیز ارتباطی آشکار با اصل متن یا گفتمان متن و یا حتی فراگفتمان متن مورد تحلیل ندارد، اما می‌تواند به صورت پنهان «شرایط خلق گفتمان‌ها» را تغییر، تحریف یا تعدیل کند، مورد توجه و تحلیل قرار می‌گیرد و در حقیقت، روابط آن‌ها را کشف و به شکل «محورهای اساسی» یا «دال‌های اساسی» و یا نهایی تحلیل درج کند. این محورها، «متا-دال‌های نهایی» یا «فرا-دال‌های نهایی» تحلیل است که تولید آن‌ها علاوه بر متن و فرامتن‌ها و بینامتنیت‌های مرتبط و حتی غیرمرتبط به قدرت تحلیلی، تسلط علمی، گستره اطلاعاتی و درجه فهم تحلیل‌گر بستگی دارد» (بشیر، ۱۳۹۷، ص ۱۵۱).

نمودار تحلیل گفتمان فراز نبوت خطبه فدکیه حضرت زهرا(س) به روش عملیاتی پدام (PDAM)



متن خطبه	فضای ساختاری	فضای معنایی	فضای ارتباطی
وَأَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ	شهادت به عبودیت و رسالت پیامبر(ص)	خارج بودن کلام از فضای شخصی و احساسی	یکی از اذکار واجب نماز، شهادت به عبودیت و رسالت پیامبر(ص) است (بیان امر شرعی).
خدا به شایستگی افراد آگاهی داشته و بنابر آن رسول را برگزیده است. ^۱	عبودیت مقدم بر رسالت	تبیین جایگاه خود (حضرت زهرا(س))	اِخْتَارَهُ وَاتَّخَذَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ
وَسَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ يَجْتَبِيَهُ	خداوند قبل از خلقت فطرت و سرشتش ایشان را عالی مرتبه قرار داد.	بزرگی و شأن پیامبر(ص) به قبل از خلقت عوالم برمی گردد.	خلقت نوری پیامبر(ص) هزاران سال قبل از حضرت آدم بوده است
وَأَصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ يَتَّبِعَهُ	ابتعث و اصطفای در باب افتعال	خداوند پیامبر(ص) را قبل از بعثت دقیق خود، کاملاً پاک از آلودگی قرار داد. (عصمت)	این گزینش از بین تمام مخلوقات بوده است.

۱. ﴿اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾ (انعام/ ۱۲۴).

	پیامبر (ص) قبل بعثت)		
قبل خلقت آفریدگان تماماً در خزانه علم الهی وجود دارند. ^۱ در دورانی انسان حتی قابل ذکر نبوده است. ^۲ إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ	اذ ظرف زمان است که در خود تعلیل را هم دارد. ^۳ زمان اصطفای وقتی بود که خلایق در غیب مکنونه بودند.	انتخاب خدا قبل از بعثت پیامبر (ص) بوده است.	
	و در پوشش هول‌ها مصون و بَشَرِ الْأَهَاوِيلَ مَصُونَةٌ بودند.		
قبل خلقت آفریدگان تماماً در خزانه علم الهی وجود دارند.	انتخاب پیامبر (ص) خیلی پیش‌تر از خلقت.	اذ ظرف زمان است که در خود تعلیل را هم دارد.	
تأویل امور را فقط خدا می‌داند. ^۴	آگاهی حضرت از سه مرحله	زمان اصطفای	

۱. ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ﴾ (حجر/۲۱).

۲. ﴿هَلْ أَتَعْلَى الْإِنْسَانُ حِينَئِذٍ مِنْ التَّهَرُّكِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا﴾ (انسان/۱).

۳. «إِذ» اسم و ظرف زمان است و تعلیل موجود و مفهوم از کلام، از سیاق و کیفیت خاص کلام استفاده می‌شود، نه از الفاظ موجود در کلام مانند «إِذ»، به این‌گونه که وقتی فعلی در زمان وقوع فعل دیگری صورت می‌گیرد و آن فعل مقید به آن زمان می‌گردد، این خود کاشف از آن است که زمان وقوع آن فعل دیگر و خصوصیات موجود در آن، باعث و علت وقوع آن فعل اول شده است، و الا متکلم آن فعل را مقید به آن زمان نمی‌کرد (صفایی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۶۰).

۴. ﴿مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ﴾ (آل عمران/۷).

	ناش_____ناخته خلقت:		
خداوند به همه چیز احاطه دارد و به تمام اعمالی که انسان ها انجام می دهند احاطه دارد. ^۱	وقتی بود که خلاق در غیب مکنونه بودند.	قبل از این که موجودات وجود عینی پیدا کنند. (طرح خلقت)	
آگاهی خداوند به همه جوانب تقدیرات ^۲			
اتمام امر الهی توسط پیامبر (ص) در روز غدیر خم ^۳			
تجلی کامل حکمت الهی در دایره وجود و عالم تکوین پیامبر اکرم (ص) است. ^۴			
مأموریت پیامبر (ص) در			

۱. ﴿أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ (طلاق / ۱۲)؛ ﴿إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (آل عمران / ۱۲۰).

۲. ابراهیم/۳۸؛ تغابن/۴.

۳. ﴿الْيَوْمَ أَكُنْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (مانده / ۳).

۴. ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ (جمعه / ۲).

			دنیا به گستره تاریخ بشریت است. ^۱
	۲) وجود به گونه‌ای که ترسی ناشی از جهل اتفاقات آینده دارند.	و در پوشش هول‌ها مصون بودند.	و يَسْتَرِ الْأَهْوِيلَ مَصُونَةً
در دورانی انسان حتی قابل ذکر نبوده است.	نوعی از هستی که نزدیک به عدم است.	مقرون به نهایت عدم بودند.	و بِنَهَايَةِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةً
تأویل امور را فقط خدا می‌داند.	خداوند مرجع اشیا را به غایتی که از آن اراده شده است می‌داند.	حکمت‌گزینش پیامبر(ص)	عِلْمًا مِّنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَا لَيْلِ [يَمَالِ] الْأُمُورِ
فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ (ص) ظُلْمَهَا.	خداوند به وسیله پدرم ظلمت‌ها را روشن ساخت.	علم الهی به تأویل امور	پیامبر(ص) چراغ روشن هدایت است. ^۲
خداوند به همه چیز احاطه دارد و به تمام اعمالی که انسان‌ها انجام می‌دهند احاطه دارد.	آگاهی همه جانبه خداوند بر اتفاقات	احاطه به وقایع روزگار	وَ إِحَاطَةً بِخَوَادِثِ الدُّهُورِ، وَ مَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْمَقْدُورِ

۱. بعضی از مقادیر حتمی خداوند در قرآن عبارت‌اند از: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ» (انبیا/۱۰۵)؛ «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه/۳۳).

۲. «وَدَاعِبًا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا» (احزاب/۴۶).

شناخت مفصل و دقیق از موضع تقدیرات	اندازه و جایگاه هر شیء را خدا مشخص کرده است.	آگاهی خداوند به همه جوانب تقدیرات
خداوند برای اتمام امر خودش پیامبر(ص) را مبعوث کرد.	پیامبر(ص) تمام کننده امر الهی است.	اتمام امر الهی توسط پیامبر(ص) در روز غدیر خم
اراده کرده بود حکمش را اجرا کند.	بعثت پیامبر(ص) محقق حکم خداوند	تجلی کامل حکمت الهی در دایره وجود و عالم تکوین پیامبر اکرم(ص) است.
و مقدرات حتمی اش را جاری کند.	نقش مهم بعثت در تحقق مقدرات حتمی	مأموریت پیامبر(ص) در دنیا به گستره تاریخ بشریت است.
پس امت ها را در دینشان فرقه فرقه دید.	انحراف و تفرقه جاهلیت قبل از بعثت	توحید موجب همبستگی و وحدت می شود.
وامت ها را در حالی که بر بالای آتش ملازمت داشتند.	اشتقاق و الزام مردم به آتش کشیدن دنیا و آخرت خود (وارونه شدن ارزش ها)	حیات جهنمی در دنیا داشتند.
عُكِّفًا عَلَى نِيرَانِهَا، أَوْ أَعَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا،		

پیامبران الهی در دنیا عمر معینی دارند. ^۱ پیامبر(ص) در این دنیا رنج و سختی کشید ^۲ (عملکرد مردم در زمان حیات پیامبر(ص) خوب نبوده است)	و بت‌ها را پرستش می‌کردند.	تغییر فضای سخن با تم تصریح به بیان فاعلیت خدا در قبض روح و تصریح بازگشت با «إلیه» در امری مسلم استفاده از کلمات با بار معنایی مثبت برای توصیف جایگاه پیامبر(ص)
پیامبر(ص) بالاترین مقام یعنی مقام رضوان الهی را داشت. ^۳		عطف به مفهوم شناخته شده‌تر در ذهن مخاطب تمام وجود پیامبر(ص) به وسیله ملائکه ابرار و رضوان پروردگار غفار و همنشینی پادشاه قبل از بعثت مردم دچار انحراف در خداپرستی شده بودند.

۱. «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» (آل عمران/۱۴۴).

۲. «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آلَاؤِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا» (کهف/۶).

۳. «وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» (توبه/۷۲).

	جبار دربرگرفته شد.		
مُنْكَرَةً لِّلَّهِ مَعَ عِزِّهَا	انکارکننده خدا بودند با این که شناخت داشتند.	فطرت تمام انسان ها توحیدی است.	انکار خدا به دلیل رذیله اخلاقی فسادگری
فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ (ص) ظُلْمَهَا.	خداوند به وسیله پدرم ظلمت ها را روشن ساخت.	تثبیت جایگاه خود (اتمام حجت)	پیامبر (ص) چراغ روشن هدایت است.
یکی از اذکار نماز (صلوات بر پیامبر) ^۱	پیامبر (ص) دارای مقام معنوی بالاست.	تبیین رسالت پیامبر (ص) از جانب خدا و تأثیرگذاری ایشان	و السَّلامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ؛

جدول شماره ۲: بررسی فضای ساختاری، معنایی و ارتباطی

« بهره گیری از امکانات زبانی با هدف ناآشنا ساختن و برجستگی زبان در ادب عربی از دیرباز پسندیده بوده است، اما در نهایت، این فرمالیست ها بودند که این مفهوم را سامان بخشیدند و نظریه ای تحت عنوان آشنایی زدایی مطرح کردند» (مختاری و فرجی، ۱۳۹۲). «آشنایی زدایی شامل تمهیدات، شگردها و فنونی است که زبان شعر را برای مخاطبان بیگانه می سازد و با عادت های زبانی مخالفت می کند» (علوی مقدم، ۱۳۷۷، ص ۱۰۷).

۳. تحلیل گفتمان فراز نبوت خطبه فدکیه به روش عملیاتی پدام

۳-۱. فضای ساختاری

فضای ساختاری فضایی است که معماری کلام برای شکل دهی به معنا و گفتمان رخ می دهد. در واقع، فضای ساختاری به چگونگی نظم بخشیدن به کلام، انتخاب

۱. أَلَسَّلامُ عَلَیْكَ أَیَّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

و چینش واژگان، و نحو جملات اشاره دارد. در این فضا تحلیل صرفاً بر عناصر دستوری و بلاغی متمرکز نیست، بلکه به نقش آن‌ها در تولید معنای مورد نظر گوینده و تأثیرگذاری بر مخاطب می‌پردازد. فهم این فضا به کشف ناگفته‌هایی از قصد حضرت زهرا(س) و هدف‌گذاری ایشان در ارائه پیام کمک می‌کند، از جمله این‌که ایشان چگونه می‌خواهند مبانی مشروعیت خود و سلب مشروعیت از رقیب را از همان ابتدای کلام بنا نهند. این بخش از طریق آشنایی زدایی، عادت‌های زبانی مخاطب را در هم می‌شکند تا پیام را به شکلی تازه و با تأثیرگذاری بیشتر ارائه دهد.

۳-۱-۱. آشنایی زدایی صوتی (نوا و وزن کلامی)

در بخش‌های ابتدایی فراز، لحن حضرت زهرا(س) آرام و متین است که با توصیف جایگاه ربوبی و پیامبر اکرم(ص) همخوانی دارد (وَ أَشْهَدُ أَنْ أَبِي مُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ). این آرامش و وزن کلامی، به کلام قداستی آیینی و طمأنینه خاص می‌بخشد، مخاطب را برای دریافت مفاهیم عمیق‌تر آماده می‌سازد و اقتدار کلام را از مبدأ الهی آن القا می‌کند. حضرت در این جا به دنبال تثبیت مرجعیت قدسی کلام از همان آغاز است.

در بخش‌های میانی، به‌ویژه هنگام توصیف وضعیت جوامع قبل از اسلام (فَرَأَى الْأُمَمَ فُرْقًا فِی أَدْيَانِهَا، عُكْفًا عَلَى نِيزَانِهَا، وَ عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا، مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا)، لحن به‌واسطه جملات کوتاه، بریده‌بریده و تکرار ساختار (فُرْقًا... عُكْفًا... عَابِدَةً... مُنْكَرَةً)، حالت تقطیع و تشویش را القا می‌کند. این ریتم خاص، حس آشفتگی، پراکندگی و نابسامانی جاهلیت را به مخاطب منتقل می‌سازد و او را با واقعیت تلخ و شکننده آن دوران مواجه می‌کند، که خود بستری برای توجیه ضرورت بعثت است.

تکرار برخی کلمات و عبارات مانند «قَبْلَ أَنْ» در توصیف مقام پیامبر(ص) (اِخْتَارَهُ وَ اِنتَجَبَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ، وَ سَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَلَهُ، وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعَثَهُ)، علاوه بر تأکید بر «مفاهیم کلیدی تقدم وجودی و انتخابی پیامبر(ص)»، به ایجاد نوعی موسیقی درونی و ریتم در متن کمک می‌کند. این تکرارها مهر تأییدی بر جایگاه بی‌نظیر پیامبر(ص) پیش از خلقت و بعثت است و گفتمان «عظمت بی‌بدیل و ازلی نبوت» را در ذهن مخاطب حک می‌کند. تکرار نام خداوند و یا نام

پیامبر(ص) نیز باعث ایجاد نوعی تمرکز در متن و در مخاطب می‌شود، توجه او را به محوریت توحید و رسالت در نظام فکری حضرت زهرا(س) جلب می‌کند. در نهایت، وزن کلامی متن، ناشی از انتخاب دقیق کلمات و ساختار جملات است. این وزن به گونه‌ای است که با محتوای متن همخوانی دارد و به تأثیرگذاری بیشتر آن کمک می‌کند.

۳-۱-۲. آشنایی‌زدایی و واژگانی (انتخاب واژگان و دلالت‌های پنهان)

حضرت زهرا(س) فراز نبوت را با شهادت به عبودیت و رسالت پیامبر(ص) آغاز می‌کند (وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ) که یک امر شرعی و مورد پذیرش همگان است. اما با ذکر کلمه «أبی» (پدرم) در این ذکر معروف شهادت، یک آشنایی‌زدایی ظریف و هدفمند ایجاد می‌شود. این کاربرد نه تنها مخاطب را به نسبت حضرت زهرا(س) با پیامبر(ص) متوجه می‌سازد، بلکه حضرت قصد دارد «مرجعیت کلام خویش» را نه صرفاً از جایگاه یک راوی، بلکه از جایگاه یک وارث حقیقی و مطلع از بطون دین و سنت نبوی تثبیت کند. همچنین ذکر معروف شهادت به عنوان «تکیه‌گاه اقناعی»، اعتبار کلام حضرت را در اذهان عمومی تقویت می‌کند و آن را از سطح یک ادعای شخصی خارج می‌سازد.

انتخاب واژگانی مانند «اخْتَارَهُ وَ انْتَجَبَهُ»، «سَمَّاهُ»، «اصْطَفَاهُ» در توصیف گزینش پیامبر(ص) توسط خداوند، همگی دلالت بر انتخاب آگاهانه، هدفمند و ازلی خداوند دارند. این واژگان جوهره ناب و بی‌نظیر پیامبر(ص) را پیش از هر گونه عمل بشری و به عنوان طرحی الهی، برجسته می‌سازند و گفتمان «برگزیدگی الهی» را در برابر هر گونه نگاه صرفاً انسانی به مقام نبوت تقویت می‌کنند.

۳-۱-۳. آشنایی‌زدایی نحوی یا ترکیبی (چینش جملات و ترتیب کلمات)

در عبارت «عِلْمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلٍ [بِمَالٍ] الْأُمُورِ، وَ إِحَاطَةً بِخَوَادِثِ الدُّهُورِ، وَ مَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْمُقْدُورِ»، تقدیم مفعول‌های «عِلْمًا»، «إِحَاطَةً» و «مَعْرِفَةً» بر متعلقات خود، بر وسعت و شمول مطلق علم و آگاهی خداوند تأکید دارد. این ساختار نحوی، نقش بی‌بدیل علم الهی در گزینش پیامبر(ص) و تدبیر امور عالم را نمایان می‌سازد و نشان می‌دهد که نبوت برنامه الهی جامع و از پیش تعیین شده است. این تقدیم،

معنای ضمنی را می‌رساند: «بی حساب و کتاب نبودن امور عالم و انتخاب پیامبر (ص)» و پشتوانه قدسی برای هر آنچه پیامبر (ص) آورده است. حذف فعل یا فاعل به قرینه در برخی عبارات، مانند «وَعَزِیمَةً عَلٰی اِمْضَاءِ حُكْمِیْهِ» (در این عبارت فعل و فاعل (اِبْتَعَثَهُ اللهُ) حذف شده است) برای تأکید اصلی بر قاطعیت و حتمیت اراده الهی در اجرای حکم و جلب توجه مستقیم مخاطب به این تصمیم الهی است. حذف فاعل (الله) در عبارت «فَرَأَى الْأُمَمَ فَرَقًا فِیْ اَدِّیَانِهَا»، نشان می‌دهد که مشاهده الهی بر این وضعیت امت‌ها حقیقت مطلق و بدیهی است و نیازی به تصریح فاعل نیست، بلکه خود حالت دیده‌شده (تفرقه امت‌ها) محور توجه قرار می‌گیرد.

۳-۴. آشنایی زدایی معنایی (تصویرسازی‌های غیرمعمول و دلالت‌های

عمیق)

عبارت «اِخْتَارَهُ قَبْلَ اَنْ یَّجْتَبِیْهُ، وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ اَنْ یَّبْعَثَهُ، وَ سَمَّاهُ قَبْلَ اَنْ یُسَمِّنَجِبَهُ» نمونه بارز آشنایی زدایی معنایی است. ترتیب طبیعی رخدادها ابتدا خلقت، سپس بعثت و در نهایت نام‌گذاری یا انتخاب است. اما حضرت زهرا (س) با معکوس کردن این ترتیب، مقام ازلی و علم پیشین خداوند را در گزینش پیامبر (ص) برجسته می‌سازند. این تصویرسازی به مخاطب می‌فهماند که نبوت پیامبر (ص) واقعه صرفاً زمینی نیست، بلکه ریشه‌ای در علم ازلی و تدبیر الهی پیش از خلقت عالم دارد. این امر گفتمان «نبوت به مثابه طرح و برنامه الهی» را تقویت می‌کند و هرگونه نگاه صرفاً انسانی به این مقام را به چالش می‌کشد.

توصیف «عُكِّفَ عَلٰی نِیْزَانِهَا» (معتکف بر آتش‌ها) فراتر از توصیفی ساده از پرستش آتش است. این عبارت تصویری حسی از سرگردانی، گمراهی و اسارت در تاریکی را ارائه می‌دهد که از طریق استعاره به زیبایی شدت دلبستگی به کارهای غلط را نشان می‌دهد.

توصیف وضعیتی ماقبل خلقت با واژگانی مانند «بِالسَّیْرِ الْأَهْوَاِیْلِ مَضُونَةً»، و «بِنِهَايَةِ الْعَدَمِ مَقْزُونَةً» در فضای ساختاری، تصویری انتزاعی و فرازمانی از عدم و پیش از وجود را ارائه می‌دهد. این عبارت عظمت انتخاب پیامبر (ص) را در

زمان و مکانی فراتر از درک عادی انسان نشان می‌دهد و به مقام ایشان ابعاد فراطبیعی می‌بخشد. این انتخاب‌های معنایی، ناگفته‌هایی در مورد گستره علم الهی و جایگاه یگانه پیامبر(ص) در سلسله آفرینش را آشکار می‌سازند و به خواننده در درک عمق مقام نبی کمک می‌کنند.

عبارت «قُبُضَ رَأْفَةٍ وَ اخْتِيَارٍ وَ رَغْبَةٍ وَ إِثَارٍ» در توصیف قبض روح پیامبر(ص)، تصویری مملو از آرامش و مهربانی را ایجاد می‌کند که با تصویرهای رایج از مرگ متفاوت است و به مخاطب حس «اختیار و کرامت پیامبر(ص) در لحظه وفات» را منتقل می‌سازد.

استفاده از سجع، جناس و طباق (مَكْنُونَةٌ، مَصُونَةٌ، مَقْرُونَةٌ) یا (الْقَوِيم، الْمُسْتَقِيم) علاوه بر ایجاد زیبایی شناختی، با تأکید بر مفاهیم کلیدی، به انتقال بهتر پیام و انسجام معنایی کمک می‌کنند. صنایع بدیعی همچون طباق در «غَيْبٍ وَ مَكْنُونٍ، هول و مصون، عدم و مقرون، أنار و نیران، هدایت و غوایه، بصر و عماية، منكرة و عرفان و تعب و راحة»، بر نمایش تحول و دگرگونی اوضاع قبل و بعد خلقت انسان و بعثت پیامبر(ص) تأکید دارند و به مخاطب در درک این تغییر عظیم کمک می‌کنند.

جملات فعلیه با فعل ماضی در این فراز که بیانگر قطعیت و جزمیت است، با محتوای این فراز که به گزینش پیامبر(ص) در عوالم قبل تر از خلقت اشاره می‌کند و نبی اکرم را تحقق طرح و برنامه خدا در خلقت بیان می‌کند، هماهنگی معنایی دارد. این ساختار به مخاطب می‌فهماند که این حقایق امور حتمی و قطعی الهی‌اند. این انتخاب ساختاری، ناگفته‌ای را منتقل می‌کند که کسی می‌تواند با این قطعیت از امور غیبی صحبت کند که خود از علم غیب بهره‌مند باشد و این به مرجعیت حضرت زهرا(س) اشاره دارد.

۳-۱-۵. انسجام متن (ارجاع و حروف ربط)

ارجاع با ضمیر: استفاده مداوم از ضمایر مانند «ه» در افعالی نظیر «اِخْتَارَهُ»، «يَجْتَبِلُهُ» که به پیامبر اکرم ارجاع دارد، یا ضمایر در «ظَلَمَهَا»، «بُهِمَهَا»، «غُمَمَهَا» که به وضعیت امت‌ها اشاره می‌کند، و ضمایر در «لأمره»، «حکمه»، «حثمه» که به

خداوند برمی‌گردد، همگی پیوندی قوی بین اجزای متن ایجاد کرده‌اند و انسجام معنایی و ساختاری را حفظ می‌کنند. این انسجام باعث می‌شود که مخاطب به راحتی بتواند مفاهیم را دنبال کند و ارتباط منطقی میان اجزا را درک نماید و پراکندگی ذهنی او از بین برود. همچنین مقایسه ضمنی بین وضعیت «قبل از بعثت» و «بعد از بعثت» که در سرتاسر متن وجود دارد، نوعی ارجاع مقایسه‌ای است که از طریق تضادهای معنایی و واژگانی به انسجام متن کمک می‌کند و به مخاطب در درک تحول و تغییرات بزرگ کمک می‌نماید.

حروف ربط: استفاده از حروف ربط مانند «و» برای اتصال جملات و عبارات متعدد، «ف» برای نشان دادن نتیجه (مانند «فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَيِّ مُحَمَّدٍ ظُلْمَهَا») و «ثُمَّ» برای نشان دادن ترتیب زمانی (مانند «ثُمَّ قَبِضَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ»)، روانی و پیوستگی متن را تقویت کرده است و به مخاطب در درک روابط سببی و منطقی بین وقایع و مفاهیم یاری می‌رساند. این انسجام ساختاری بر درک صحیح معنا و تأثیر ارتباطی کلام حضرت بر مخاطب اثر مستقیم دارد.

۲-۳. فضای معنایی: تولید و تفسیر معانی زیرین و زیرین در بافتار گفتاری

فضای معنایی به فرایند تولید و تفسیر معانی در متن می‌پردازد، یعنی چگونه کلمات، عبارات و کل متن دلالت‌های صریح (زبرین) و ضمنی (زیرین) خود را آشکار می‌کنند و معنایی لایه‌ای تولید می‌شود. این فضا نه تنها به معنای ظاهری، بلکه به «معنای زبرین و زیرین» متن توجه دارد و «زمینه» تاریخی-اعتقادی پنهان را برای فهم گفتمان حضرت تبیین می‌کند.

معنای زبرین و زیرین (آشکار و پنهان): معنای زبرین عبارات ابتدایی خطبه، بیان ویژگی‌های پیامبر (ص) (عبودیت، رسالت) و مأموریت الهی ایشان است. اما معنای زیرین و ناگفته، تلاش حضرت زهرا (س) برای بازتعریف مقام نبوت در اذهان مخاطبان و مقابله با تقلیل‌گرایی در فهم آن است. ایشان می‌کوشند تا نشان دهند نبوت صرفاً مقام حکومتی یا مدیریت جامعه نیست، بلکه «طرح الهی ازل و ابدی» است که ریشه‌ای در علم و مشیت خداوند پیش از خلقت دارد. این بازتعریف، مبنای مشروعیت‌زدایی از قدرت حاکم است که مقام نبوت را صرفاً به بُعد

حاکمیتی تقلیل داده بود.

کلماتی مانند «عبد» (بنده او) در «وَأَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»، در معنای زیرین بر بندگی پیامبر (ص) تأکید دارد. اما در معنای زیرین و عمیق تر، «عبودیت» را زیربنای «رسالت» و اوج کمال انسانی معرفی می کند. این دلالت به مخاطب می فهماند که مقامات معنوی و حقیقی رهبری، ریشه ای در تواضع و بندگی محض در برابر خداوند دارند نه در قدرت طلبی.

توصیف وضعیت قبل از اسلام با تعبیری چون «فُرْقًا فِی أَدْيَانِهَا» (در دین هایشان فرقه فرقه)، «عُكُفًا عَلَى نِيزَانِهَا» (معتکف بر آتش ها) و «مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا» (خدا را انکارکننده اند، با این که می شناختند)، معنای زیرین «تباهی و گمراهی جاهلیت» را القا می کند. معنای زیرین اما «لِزُومِ بَصِيرَةٍ وَ آگَاهی دایمی برای جلوگیری از بازگشت به جاهلیت» است. حضرت به طور غیرمستقیم مخاطبان را به تأمل در وضعیت کنونی (پس از پیامبر) دعوت می کنند و هشدار می دهند که «انحراف از مسیر حق (ولایت)، نتیجه ای جز بازگشت به همان گمراهی های جاهلی نخواهد داشت». این امر نقش این فراز در آماده سازی مخاطب برای نقد انحرافات بعدی را آشکار می سازد.

افعال «أَنَارَ»، «كَشَفَ» و «جَلَّى» در توصیف نقش پیامبر (ص)، به معنای زیرین، «تحول عظیم» در جامعه را نشان می دهد. معنای زیرین، «قدرت بی بدیل رسالت» برای «تغییر بنیادی در تمامی ابعاد وجودی انسان» (از جهل ظاهری تا کوردلی باطنی) است. تأکید بر «هدایت، نجات و بصیرت» به مخاطب می فهماند که بدون نبوت، وحدت و نجات امکان پذیر نیست و «راه مستقیم و دین قویم» تنها از این مسیر می گذرد.

توصیف رحلت پیامبر (ص) با «قَبْضَ رَافَةٍ وَ اخْتِيَارٍ وَ رَغْبَةٍ وَ إِثَارٍ» و «فِی رَاحَةٍ»، در ظاهر به پایان حیات جسمانی ایشان اشاره دارد. اما معنای زیرین، «مقام بی نظیر و کمال نهایی» پیامبر (ص) در نزد خداوند است. این توصیف نه تنها بر «کرامت و اختیار» پیامبر (ص) در لحظه وفات تأکید می کند، بلکه با بیان احاطه فرشتگان و رضوان الهی، بر «جاودانگی مقام نبوت» و «سعادت ابدی» ایشان دلالت دارد. این

معنا به مخاطب حس آرامش و اطمینان می‌دهد و از سوی دیگر، «تهدیدی پنهان» برای مخالفان است که پیامبر(ص) اکنون در جایگاهی بالاتر قرار دارد و از اعمال آن‌ها آگاه است.

۳-۳. فضای ارتباطی: ایجاد پیوند میان گوینده و مخاطب از طریق بینامتنیت

در این فضا حضرت با تکیه بر باورهای مشترک، هویت دینی مخاطبان و به‌ویژه با استفاده از بینامتنیت با قرآن کریم، تلاشی فعال برای اقناع، بیداری وجدان و جلب همراهی انجام می‌دهند. این فضا نشان می‌دهد که چگونه ایشان کلام خود را در چهارچوب مرجعیت قدسی قرآن و حدیث قرار می‌دهند. این اشارت بینامتنی به مثابه ابزارهایی استراتژیک برای اقناع عمیق و اتمام حجت نهایی با مخاطبان عمل می‌کند. حضرت زهرا(س) با بهره‌گیری از همراهی و تأیید مضامین قرآنی، کلام خود را به استدلالی محکم و انکارناپذیر تبدیل می‌کند. این رویکرد نه تنها برای دفاع از حق خود، بلکه برای حفظ و بازسازی هویت اعتقادی و سیاسی جامعه اسلامی بر اساس مبانی و حیانی، عملیاتی جامع و جاودانه است.

۳-۴. فضای گفتمانی

«در این فضا شناخت خالقان متن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هر متنی در موقعیت‌ها و شرایط مختلف تولید می‌شود، اما فضای خالقان متن می‌تواند در تولید متن مناسب تأثیرگذار باشد. متن دینی، چه قرآن کریم و چه روایات و احادیث مختلف بر مبنای نوعی از ضرورت و مصلحت‌سنجی و ترتیب خاصی تولید شده‌اند که می‌تواند نوعی از فضای حاکم بر خالقان متن نیز تلقی گردد. از این رو شناخت دقیق زندگانی هر امام معصوم، از حیث رویکردهای مختلف زمان حیات، جامعه مورد نظر، حاکمان زمان، درگیری و کشمکش‌های گفتمانی موجود در آن زمان و غیره، در تحلیل متون دینی تأثیر بسزایی دارد» (بشیر، ۱۳۹۷، ص ۱۴۴).

گفتمان فدکیه را کسی ایراد کرده است که به گواه آیه تطهیر (آیه ۳۳ سوره مبارکه احزاب) عصمت دارد (ترمذی، بی‌تا، ج ۵، ص ۶۹۹؛ طبری، ۱۹۷۴، ص ۲۱؛ ابن اثیر جزری، بی‌تا، ج ۵، ص ۵۲۲؛ طوسی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۳۴۰) و غضب او و رضایت او غضب و رضایت خدا (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۶؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۶۷؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۵۲۲؛

سیوطی، ۱۴۲۳، ج ۸، ص ۱۸۶) و رسولش (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۲۱؛ بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۷، ص ۳۹۴؛ طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۴۰۴؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۱۰۴) است. به عبارت دیگر، تجلی اراده الهی است و فضای گفتمان خطبه نشان می دهد حضرت زهرا(س) با گفتمانی روبه رو شده است که در صدد تضعیف این وجهه از شخصیت حضرت است و تا جایی پیش می رود که حضرت در خطبه می فرماید: «أَمْ هَلْ تَقُولُونَ إِنَّ أَهْلَ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ؟ أَوْ لَسْتُ أَنَا وَآبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟»، لذا حضرت برای تضعیف گفتمان رقیب، گفتمان نبوت خود را بر دو محور اساسی شکل می دهد: معرفی جایگاه نبوت و نبی و انتساب خویش به نبی اکرم.

فضایی که گفتمان حضرت زهرا(س) در آن تولید می شود فضایی است که به راحتی برای پیامبر(ص) جانشین انتخاب کردند، بدون این که توجه داشته باشند مقام پیامبر(ص) در جایگاه نبوت و رسالت، جایگاه و مقام دنیایی نیست که انتخاب جانشین آن به راحتی از عهده مردم برآید، بلکه این انتخاب باید از طرف خدا باشد، زیرا نبوت جایگاه مهمی است و همان طور که نبی را خدا انتخاب می کند جانشین آن در مقام امامت را هم خدا و رسولش باید تعیین کنند. لذا با توجه به آیه ۶۷ سوره مبارکه مائده و روایت فریقین از واقعه روز غدیر، آنچه پیامبر(ص) مأمور به ابلاغ آن بود، دستوری شخصی نبود، بلکه مأموریتی از جانب خدا بود. اما انتخاب خلیفه در سقیفه به عنوان جانشین پیامبر(ص) بیانگر دیدگاه شخصی سازی قضیه ولایت و نبوت است؛ گفتمانی که مقام نبوت را در حد حاکمیت تنزل داد و هر شخصی را در جایگاه نبی به راحتی جایگزین کرد. لذا حضرت زهرا(س) با گفتمان نبوت، محورهای زمان انتخاب پیامبر(ص) و هدف انتخاب ایشان را تبیین کرد که نبوت مقامی است طراحی شده قبل از عالم خلقت و نبی برگزیده ای از عوالم قبل است که خود هدف خلقت است و اهدافی که نبی دارد همه در جهت اوامر الهی، هدایت مردم و نجات از کفر و شرک و تفرقه و سردرگمی و... است. حضرت زهرا(س) حول محور انتساب خود به پیامبر(ص)، این معنا را به مخاطب القا می کند که شخصی با این اوصاف هیچ گاه ذره ای از روی هوی و هوس سخن نمی گوید و عمل نمی کند، چه در امر انتخاب جانشین و چه در تبیین مقام

اهل بیت به خصوص حضرت زهرا(س) و تمام رفتار ایشان تحت امر الهی بوده است، بدون در نظر گرفتن احساسات فامیلی و شخصی. یادآوری حضرت زهرا(س) در مورد نسبتشان با پیامبر(ص)، یادآوری تمام سفارش‌های نبوی در زمینه مقام و منزلت حضرت زهرا(س) است که گوشه‌ای از آن بیانگر عصمت ایشان و تجلی اراده الهی در اراده ایشان بود. لذا چنین شخصیتی با اهداف دنیوی به دنبال ملکی نیست و در این احقاق حق ذره‌ای دچار انحراف و کج‌روی نشده است. لذا بررسی‌های این فراز خطبه نشان می‌دهد که این متن صرفاً انعکاس معنای ذهنی نیست، بلکه خالق معنای جدیدی در میدان نبرد گفتمان‌هاست:

۳-۴-۱. گفتمان سازی هم‌زمانی

خطبه در زمانی ایراد شد که یک فراگفتمان قدرت-حاکمیت جدید (مبتنی بر «انتخاب» و «بیعت» ظاهری) در حال تثبیت بود و می‌کوشید مشروعیت رهبری را از «نص الهی» به «اجماع بشری» منتقل کند. حضرت زهرا(س) با این خطبه، یک «گفتمان رقیب» را با هدف مهار یا تغییر این فراگفتمان خلق کرد. در این راستا گزینش واژگان «اِخْتَارَهُ وَ اِنتَجَبَهُ قَبْلَ اَنْ اُرْسَلَهُ، وَ سَمَّاهُ قَبْلَ اَنْ اُجْتَبَاهُ، وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ اَنْ اُتْبَعَهُ» یک «استراتژی گفتمانی» برای «تثبیت مطلق اراده الهی» در انتخاب پیامبر(ص) است. این تکرار، یک «دال مرکزی» را حول مشروعیتی ازلی و خدشه‌ناپذیر شکل می‌دهد که به صورت ضمنی هرگونه مشروعیت اکتسابی یا انسانی را در برابر آن بی اعتبار می‌کند. در این گفتمان متن به وضوح یک دوگانگی ایجاد می‌کند: گذشته تاریک و گمراه: «الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ... فُرْقًا فِي اَذْيَانِهَا... مُنْكَرَةً لِلَّهِ». این بخش «گفتمان جهالت و انحراف» را نمایندگی می‌کند؛ و آینده روشن و هدایت یافته: «فَأَنَارَ اللَّهُ بِمُحَمَّدٍ ظُلْمَهَا... وَقَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ» و این بخش «گفتمان نور و هدایت الهی» را تجلی می‌بخشد. این قطب بندی، «هویت گفتمانی» پیامبر(ص) را به عنوان یگانه منجی و نور هدایت الهی تثبیت می‌کند و مسیر آینده را در پرتو این هویت معنا می‌بخشد. همچنین توصیف رحلت پیامبر(ص) با «قَبْضُ رَأْفَةٍ وَ اخْتِيَارُ رَغْبَةٍ وَ إِثَار» یک «گفتمان سازی» حول «حکمت و رضایت الهی» در این واقعه است. این نه تنها برای تسلی خاطر، بلکه

برای تداوم «گفتمان نبوت» از طریق بیان کمال و مقام ابدی ایشان است که زمینه را برای «تداوم هدایت» (به معنای امامت) فراهم می‌سازد.

۳-۴-۲. گفتمان‌سازی در زمانی

این خطبه از همان لحظه خلق، به یک «جریان گفتمانی» تبدیل شد که در «حافظه جمعی» پیروان اهل بیت (ع) نقش بست. این نه تنها یک متن برای خواندن، بلکه یک «منبع گفتمانی» برای بازتعریف و تثبیت اصول در هر دوره‌ای است، و به یک «گفتمان فعال» تبدیل شده است، به طوری که مفاهیم و عبارات آن، در طول قرون متمادی، در «گفتمان‌های فقهی، کلامی، سیاسی و انقلابی» شیعه به صورت مستمر بازتولید شده است. هر بار که به «الدِّینِ الْقَوِیمِ» یا «الطَّرِیقِ الْمُسْتَقِیمِ» ارجاع داده می‌شود، این متن و «عصاره معنایی» آن فعال می‌شود و بر «مساحت معنایی» اسلام می‌افزاید. این متن هویت‌ساز است و نه تنها بر هویت پیامبر (ص)، بلکه بر هویت شیعیان به عنوان پیروان خط مشروعیت الهی تأکید می‌کند.

۳-۴-۳. پیوند با گفتمان‌های مشابه بیرونی و «تقویت گفتمانی»

متن خطبه با ارجاع ضمنی به مفاهیم و ساختارهای قرآنی (مانند «عبدُ و رسوُلُهُ» «الدِّینِ الْقَوِیمِ»)، از «قدرت گفتمانی» قرآن و سنت بهره می‌برد. این پیوند نه تنها اعتبار متن را بالا می‌برد، بلکه آن را در یک «فضای گفتمانی کلان» اسلام قرار می‌دهد. این «تقویت گفتمانی» حیاتی است، چراکه نشان می‌دهد ریشه‌ای عمیق در متون مقدس دارد و محصول زمان یا یک فرد نیست.

۳-۴-۴. «نبرد گفتمانی» با گفتمان‌های رقیب

این خطبه در واقع در برابر گفتمان حاکمیت جدید که بر «اجماع» و «انتخاب» بشری تأکید داشت، قرار گرفته بود. این خطبه با تأکید بر «انتخاب ازلی و الهی» پیامبر (ص)، به صورت تلویحی، مشروعیت آن گفتمان بیرونی را زیر سؤال می‌برد. این یک «جهت‌گیری گفتمانی» صریح و استراتژیک است که متن را در یک «موقعیت گفتمانی» چالش برانگیز قرار می‌دهد.

متن خطبه	فضای گفتمانی	فضای فراگفتمانی
وَأَشْهَدُ أَنَّ أَبَى مُحَمَّدٍ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أُرْسَلَهُ، وَ سَمَاءَ قَبْلَ أَنْ يُجْتَبَاهُ، وَ اضْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ يُنْتَعَنَّهُ،	مشروعیت الهی و ازلی نبوت و رهبری حکمت و هدفمندی رسالت الهی رسالت جهانی و تحول آفرینی پیامبر (ص)	گفتمان مقابل حاکی از نادیده گرفتن مقام و منزلت دختر پیامبر (ص) است. فراگفتمانِ فرودآوری جایگاه نبوت در مقابل فراگفتمان مشروعیت الهی و انحصاری با متادال‌های زیر:
إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكُونَةٌ، وَ يَسْتُرُ الْأَهْوِيلَ مَصُونَةٌ، وَ بِنَهَايَةِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةٌ، عِلْمًا مِنْ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ الْأُمُورِ، وَ إِحَاطَةً بِخَوَائِثِ الدُّهُورِ، وَ مَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْأُمُورِ ابْتِغَاءَهُ اللَّهُ إِثْمَامًا لِأَمْرِهِ، وَ عَزِيمَةً عَلَى إِمْضَاءِ حُكْمِهِ، وَ إِنْفَاذًا لِمَقَادِيرِ رَحْمَتِهِ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.	روشنگری و تحول بخشی رسالت در مواجهه با انحرافات محور جاودانگی پیامبر (ص) و تداوم یاد ایشان تثبیت اعتبار و مرجعیت گوینده	گفتمان انتخاب و اصطفا‌ی ازلی گفتمان حکمت و هدفمندی مطلق رسالت جاودانگی مقام و تداوم هدایت

جدول شماره ۲: بررسی فضای گفتمانی و فراگفتمانی

۳-۵. فضای فراگفتمانی

همان‌طور که در فضای گفتمانی بیان شد، مردم در زمان نبی اکرم (ص) به جایگاه حقیقی نبوت و نبی واقف نبودند. «آن‌ها اگرچه به ظاهر ایمان آورده بودند، ولی رفتارشان با پیامبر (ص) رفتار رعیت با شاه بوده، و همچنین احکام دینی را هم به نظر قانونی از قوانین ملی و قومی می‌نگریسته‌اند، بنابراین ممکن بوده که تبلیغ بعضی از احکام، مردم را به این توهم گرفتار کند، العیاذ بالله که رسول الله (ص) این حکم را از پیش خود و به نفع خود تشریع کرده، و خلاصه از تشریع این حکم سودی عاید آن جناب می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۶۸). همچنین نمونه‌های تاریخی نیز

این دیدگاه را تأیید می‌کند و در شرایط مختلف این گفتمان یعنی فاصله انداختن بین حکم خدا و حکم پیامبر (ص) نیز از جانب گفتمان سازی رقیب نیز تقویت می‌شده، گفتمانی که درصدد بود شخصیت پیامبر (ص) را شخصیتی عادی جلوه دهد که تحت تأثیر عوامل مختلف امکان خطا و اشتباه دارد. نمونه‌هایی از این فراگفتمان‌های فراز نبوت در ادامه آورده شده است:

۳-۵-۱. سدّالابواب

«مِنْ مُسْنَدِ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ: كَانَ لِنَقَرٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) أَبْوَابٌ شَارِعَةٌ فِي الْمَسْجِدِ فَقَالَ يَوْمًا: سُدُّوا هَذِهِ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَ عَلِيٍّ. قَالَ: فَتَكَلَّمْتُ فِي ذَلِكَ أَنَا. قَالَ: فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: أَمَّا بَعْدُ، فَإِنِّي أُمِرْتُ بِسَدِّ هَذِهِ الْأَبْوَابِ غَيْرِ بَابِ عَلِيٍّ فَقَالَ فِيهِ قَائِلُكُمْ وَاللَّهِ مَا سَدَدْتُ شَيْئًا وَلَا فَتَحْتُهُ وَ لَكِنِّي أُمِرْتُ بِشَيْءٍ فَاتَّبَعْتُهُ» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۳۰).

روایات سدّالابواب بیانگر این موضوع است که هر جا دستورات پیامبر (ص) برایشان تعجب برانگیز یا ناراحت‌کننده بود، به ایشان اعتراض می‌کردند و هنگامی که رسول خدا می‌فرمود دستور الهی است. ساکت می‌شدند، که این نشان‌دهنده عدم شناخت آنان از پیامبر (ص) بوده است.

۳-۵-۲. غزوه حنین

در غزوه حنین غنائم بسیاری به دست آمد. رسول خدا (ص) غنائم را تنها میان آن عده از قریش و سایر اقوام عرب تقسیم کرد که با به دست آوردن غنیمت دل‌هایشان متمایل به اسلام می‌شد. انصار خشمگین شدند و نزد سعد بن عبادہ گرد آمدند و او آنان را در «جعرانہ» (محلّی میان مکّه و طائف؛ هفت میلّی مکّه) خدمت رسول خدا (ص) رسانید و عرض کرد: یا رسول‌الله، به من اجازه می‌دهید سخن گویم؟ فرمود: آری. سعد بن عبادہ گفت: اگر این اموال را طبق دستوری که از طرف خدا فرود آمده است میان قوم خود تقسیم کردی، ما رضایت داریم، وگرنه رضایت نداریم (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۱۳۶). این قضیه هم نشان‌دهنده شناخت سطحی مردم از نبوت و مقام نبی است.

۳-۵-۳. قضاوت

در شأن نزول آیه ۶۵ سوره نساء: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُوا بِمَا نَازِلٌ﴾ در شأن نزول آیه ۶۵ سوره نساء: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُوا بِمَا نَازِلٌ﴾ آمده است که این آیه درباره زیر و مردی از انصار نازل شد که اختلاف خود را نزد پیامبر (ص) برده بودند. اختلاف بر سر مجرای آبی بود که از زمینی سنگزار به سوی نخلستان آن دو می‌رفت. پیامبر (ص) به زیر فرمود: باغت را آبیاری کن، سپس آب را برای همسایه‌ات بفرست. انصاری خشمگین شد و گفت: جانب پسر عمویت را می‌گیری؟ رنگ چهره پیامبر (ص) تغییر کرد. آن‌گاه به زیر فرمود: باغت را آب بده و جلو آب را بگیر تا برگردد به طرف دیوارها و حتی خود را به طور کامل تحصیل کن، سپس برای همسایه‌ات بفرست. در پاسخ اول، طوری دستور داده شد که برای هر دوی آن‌ها گشایش و آسایش بود. گفته‌اند: این مرد حاطب بن ابی بلتعه بوده است. راوی می‌گوید: آن دو خارج شدند و بر مقدار گذاشتند. مقدار پرسید: به نفع کدام یک از شما حکم شد؟ حاطب گفت: «به نفع پسر عمویش حکم کرد». وی این سخن را با دهن کجی ادا کرد. مردی یهودی که با مقدار بود، متوجه شد. گفت: خداوند این‌ها را بکشد! باور دارند که او پیامبر خداست، آن‌گاه در حکمی که صادر می‌کند او را متهم می‌کنند. (طبرسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۱۷).

۳-۵-۴. بیعت با امام علی (ع)

در روز غدیر پیامبر اکرم (ص) بعد از بیان «فمن كنت مولاه فعلي مولاه، ربّ وال من والاه، و عاد من عاداه»، مردم را به بیعت با امام علی (ع) امر کرد و همه بیعت کردند و چیزی نگفتند تا این که ابوبکر آمد. پس پیامبر (ص) فرمود: ای ابوبکر، با علی در ولایت بیعت کن. ابوبکر گفت: من الله أو من رسوله؟؛ این فرمان از خداست یا رسولش؟ سپس عمر آمد و همین سؤال را تکرار کرد و پیامبر (ص) فرمود: «من الله و من رسوله». در این هنگام ابوبکر گفت: چقدر محکم بازوی پسرعمویش را گرفته است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۷، ص ۱۱۹).

در مقابل این گفتمان، گفتمان قرآنی در آیاتی مانند آل عمران/۱۳۲، نساء/۵۹، مائده/۹۲؛ انفال/۲۰، طه/۴۶؛ نور/۵۶، محمد/۳۳؛ مجادله/۱۳ و تغابن/۱۲ به

دنبال تثبیت مفهوم اطاعت‌پذیری از پیامبر (ص) است، آن‌هم هم‌تراز اطاعت‌پذیری از خدا، و بر این مفهوم چنان تأکید دارد که در آیه ۶۴ نساء می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ...﴾، یعنی رسول اصلاً آمده که اطاعت شود. لذا با توجه به فراگفتمان‌ها تبیین می‌گردد که دیدگاه مردم به نبی بیشتر شبیه حاکمی است که اگرچه برای صلاح و آبادانی قیام کرده، اما ممکن است تحت تأثیر روابط فامیلی و یا قبیله‌ای تصمیمات غلط و ناعادلانه بگیرد و همین گفتمان از جانب رقیب بارها با پرسش «من الله أو من رسوله؟» تقویت می‌شد و در مقابل، گفتمان قرآنی با امر مطلق به اطاعت از رسول اکرم درصدد به حاشیه راندن گفتمان رقیب است.

شواهد تاریخی به عنوان «فراگفتمان فرودآوری جایگاه نبوت»، درصدد تضعیف بنیان مشروعیت الهی پیامبر (ص) بود تا راه را برای مشروعیت بخشی به قدرت‌های غیرالهی و انتخابی بشری پس از رحلت ایشان هموار کند. در پاسخ به این «فراگفتمان فرودآوری»، متن خطبه حضرت زهرا (س) یک «فراگفتمان متنی» قدرتمند را تولید می‌کند که با فراگفتمان قرآنی و نبوی در هم تنیده است:

انتخاب و اصطفا‌ی ازلی: تأکید بر این که خداوند پیامبر (ص) را «اخْتَارَهُ وَ انْتَجَبَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ... وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعَثَهُ»، یک «دال مرکزی» را برای «مشروعیت انحصاری الهی» بنیان می‌گذارد. این گزاره هر گونه مشروعیت ناشی از انتخاب بشری را نفی می‌کند و جایگاه پیامبر (ص) را فراتر از هر گونه ارزیابی یا چون و چرا قرار می‌دهد.

حکمت و هدفمندی مطلق رسالت: بیان این که بعثت پیامبر (ص) بر اساس «عِلْمًا مِنْ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ الْأُمُور» و برای «إِثْمَامًا لِأَمْرِهِ وَ عَزِيمَةً عَلَى إِمْضَاءِ حُكْمِهِ» بوده است، نشان می‌دهد که رسالت ایشان کاملاً در اراده حکیمانه الهی ریشه دارد و هیچ خطایی در آن متصور نیست.

جاودانگی مقام و تداوم هدایت: توصیف رحلت پیامبر (ص) با «قَبْضَ رَأْفَةٍ وَ اخْتِيار» و قرار گرفتن ایشان در «رَاحَةِ» ابدی، نه تنها تسلی بخش است، بلکه نشان می‌دهد که مقام نبوت و هدایت الهی، با وفات جسمانی پایان نمی‌پذیرد، بلکه تداوم دارد. این «فرا-دال» راه را برای تداوم هدایت از طریق اوصیای پیامبر (ص)

هموار می‌سازد.

فراگفتمان قرآنی: آیات متعدد قرآنی مانند نساء/۵۹: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ و نساء/۶۴: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾، به صورت مستقیم و صریح، بر «اطاعت مطلق و هم‌تراز از پیامبر (ص) با خداوند» تأکید دارند. این آیات، «فراگفتمان عصمت و مرجعیت بی‌چون و چرای نبوی» را در قرآن بنا نهاده‌اند.

خطبه حضرت زهرا(س) در سطح فراگفتمانی، یک کنش بنیادین در «شرایط خلق گفتمان‌ها» در آن دوره است، درحالی‌که فراگفتمانی بیرونی تلاش می‌کرد تا با عادی‌سازی پیامبر(ص) و ایجاد شک در منبع احکام ایشان، بنیان مشروعیت الهی را تضعیف کند و راه را برای قدرت‌گیری بر اساس قواعد بشری باز کند. حضرت زهرا(س) با خطبه خود اصول مشروعیت را بازتعریف می‌کند. ایشان با تکیه بر «انتخاب ازلی الهی»، فراگفتمان «مشروعیت الهی و انحصاری» را مجدداً به عنوان «متا-دال نهایی» برای هر گونه رهبری و هدایت در اسلام مطرح می‌کند و با تأکید بر حکمت مطلق الهی در بعثت و نقش تحول‌آفرین و بی‌خطای پیامبر(ص)، عصمت ایشان را به عنوان یک اصل اساسی در مقابل هر گونه تردید تأیید می‌کند.

این خطبه یک «مبارزه گفتمانی استراتژیک» برای «حفظ معنای حقیقی نبوت و امامت» و جلوگیری از انحراف و تحریف در مبانی دین است. این تحلیل فراگفتمانی نشان می‌دهد که کلام چگونه در نبرد قدرت نقش حیاتی ایفا می‌کند و چگونه می‌تواند «واقعیت» را بازتعریف یا از تحریف آن جلوگیری کند. این خطبه نمادی از «قدرت گفتمان روایی» است که می‌تواند اصول ابدی دین را در مواجهه با چالش‌های هر عصر، حفظ و بسط دهد.

نتیجه‌گیری

گفتمان نبوت حضرت زهرا(س) به روش عملیاتی تحلیل گفتمان تحلیل شد و این نتیجه حاصل آمد که این گفتمان حول ۵ محور اصلی مفصل‌بندی می‌شود:

۱. معرفی جایگاه نبی؛ ۲. معرفی نسبت خویش با نبی؛ ۳. طرح و گزینش نبی پیش از طرح خلقت توسط خداوند؛ ۴. تحولات و انقلاب صورت‌گرفته توسط نبی که

دو بعد مادی و معنوی زندگی را شامل می‌شود؛ ۵. تکریم جایگاه نبی بعد رحلت ایشان.

حضرت در حول این پنج محور در زمینه نبوت گفتمان سازی می‌کند و در این گفتمان، نبوت را امری الهی می‌شناساند و با آگاهی غیبی، مخاطب را از طرح و برنامه خدا برای نبوت پیش از خلقت آگاه می‌سازد و حیطه مسئولیت و دامنه نبوت را فراتر از حکومت ظاهری بر افراد بیان می‌کند. لذا این گفتمان در مقابل گفتمان رقیب که در صدد شخصی سازی امر نبوت است و نبوت را در حد حاکمیت تنزل می‌دهد و انتصاب آن را الهی نمی‌داند، معناسازی می‌شود و در لایه های عمیق تر بیانگر این مهم است که منشأ قسمتی از انحرافات جامعه بعد از پیامبر (ص) به علت عدم معرفت دقیق و عمیق به جایگاه نبوت بوده است که منجر به غضب ولایت شده است و حضرت در حین معرفی جایگاه نبوت، به معرفی جایگاه خود با بیان انتسابش به پیامبر (ص) می‌پردازد. یکی دیگر از محوره های گفتمان رقیب خدشه دار کردن این جنبه از شخصیت حضرت است. بنابراین، گفتمان نبوت جزئی از یک گفتمان منسجم را تشکیل می‌دهد که مرتبط با اجزای همه گفتمان خطبه می‌باشد نه صرفاً یک مقدمه بی ارتباط با گفتمان اصلی.

فهرست منابع

۱. آقاگل زاده، فردوس. (۱۳۸۵ش). تحلیل گفتمان انتقادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. آویشی، سمیه. (۱۳۹۶ش). تحلیل گفتمان انتقادی خطبه فدکیه حضرت فاطمه سلام الله علیها بر اساس الگوی فرکلاف و چارچوب نظری لاکلا و موفه. پایان نامه کارشناسی ارشد، (استاد راهنما: محمود رمضان زاده لک). دانشگاه پیام نور. مشهد.
۳. ابن اثیر جزری، علی بن محمد. (۱۳۴۱ق). أسد الغابة فی معرفة الصحابة. تهران: اسماعیلیان.
۴. ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷ش). النهایة فی غریب الحدیث و الأثر. تهران: اسماعیلیان.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۶ش). الأمالی. تهران: کتابچی.
۶. ابن مغازلی. علی بن محمد. (۱۹۸۱م). مناقب أمير المؤمنين علی بن أبی طالب، بیروت: دار الأضواء.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۸. اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ش). کشف الغمة فی معرفة الأئمة. تبریز: بنی هاشمی.

۹. بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۱ق). صحیح بخاری. بیروت: دار الفکر.
۱۰. بستانی، فؤاد افراهم. (۱۳۷۵ش). فرهنگ ابجدی. تهران: اسلامی.
۱۱. بشیر، حسن. (۱۳۹۵ش). کاربرد تحلیل گفتمان در فهم منابع دینی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. بشیر، حسن. (۱۳۹۷ش). تحلیل گفتمان دینی، مبانی نظری. قم: لوگوس.
۱۳. بشیر، حسن. (۱۳۹۹ش). روش عملیاتی تحلیل گفتمان. تهران: سروش.
۱۴. بشیر، حسن. (۱۴۰۰ش). فرایند ساخت معنا در تحلیل گفتمان با روش «پدام»، با مطالعه موردی بیداری اسلامی. روش‌شناسی علوم انسانی، ۲۷ (۱۰۶)، ۳۱-۴۸.
<https://doi.org/10.30471/mssh.2020.6398.2023>
۱۵. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین. (۱۴۲۴ق). السنن الکبری. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۶. ترمذی، محمد بن عیسی. (بی‌تا). الجامع الصحیح. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (بی‌تا). المستدرک علی الصحیحین، (ویراستار: یوسف مرعشلی). بیروت: دار المعرفة.
۱۸. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله. (۱۴۱۱ق). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. تهران: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه.
۱۹. حسینی طهرانی، هاشم. (۱۳۶۴ش). علوم العربیه. تهران: مفید.
۲۰. خلف، حسن. (۱۳۹۳ش). بررسی جلوه‌های زیبایی‌شناختی صحیفه سجاده. مشهد: دانشگاه فردوسی.
۲۱. داودآبادی فراهانی، مهدی. (۱۳۹۵ش). تحلیل خطبه فدکیه بر اساس نظریه کنش گفتاری. تاریخ اسلام، ۱۷ (۲)، ۳۹-۷۰.
۲۲. دودانگه، محرمعلی. (۱۳۹۴ش). جستاری پیرامون گفتگو و مصادیق آن. کرج: رهام اندیشه.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
۲۴. روشنفکر، کبری؛ اکبری زاده، فاطمه. (۱۳۹۰ش). تحلیل گفتمان انتقادی خطبه فدک حضرت زهرا (س). منهاج، ۱۷ (۱۲)، ۱۲۵-۱۴۵.
<https://sid.ir/paper/171063/fa>
۲۵. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۱۷ق). الفائق فی غریب الحدیث. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۶. زورق، محمد حسن. (۱۳۶۸ش). مبانی تبلیغ. تهران: سروش.
۲۷. سجادی، سیده رقیه؛ عترت دوست، محمد؛ بهارزاده، پروین. (۱۴۰۲ش). آسیب‌شناسی جامعه اسلامی، مبتنی بر تحلیل محتوای خطبه فدکیه حضرت زهرا (س). مطالعات فهم حدیث، ۹ (۲)، ۳۵-۹.
<https://doi.org/10.30479/mfh.2023.15936.2019>
۲۸. سعیدی، حبیب‌الله. (۱۳۹۰ش). ترجمه فارسی مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی متن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مشهد: دانشگاه فردوسی.

۲۹. سیدی، سید حسین. (۱۳۹۹ش). نظریه‌های زبان‌شناسی دانشمندان مسلمان در دوره شکوفایی تمدن اسلامی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۰. سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: کتابخانه عمومی آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره).
۳۱. شاکر، محمد کاظم. (۱۳۸۲ش). مبانی و روشهای تفسیری. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۳۲. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۸ش). نقد ادبی. تهران: دستان.
۳۳. صفایی، غلامعلی. (۱۳۸۷ش). ترجمه و شرح مغنی الأدیب. قم: قدس.
۳۴. صیادی‌نژاد، روح‌الله؛ حسینی باصری، سید کاظم. (۱۳۹۷ش). تحلیل گزاره‌های پرسشی خطبه فدکیه بر اساس نظریه سرل. شیعه‌شناسی، ۱۶(۶۱)، ۱۳۷-۱۶۶.
۳۵. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمی.
۳۶. طبرانی، سلیمان بن احمد. (۱۴۰۴ق). المعجم الکبیر، (ویراستار: حمدی سلفی). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۷. طبرسی، فضل بن حسن. (بی‌تا). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، (ترجمه حسین نوری همدانی). تهران: فراهانی.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). الأمالی. قم: دار الثقافة.
۳۹. عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰ق). الفروق فی اللغة. بیروت: دار الآفاق الجديدة.
۴۰. علوی مقدم، مهیار. (۱۳۷۷ش). نظریه‌های نقد ادبی معاصر. تهران: سمت.
۴۱. فجزی، حسینعلی؛ جواد نظری. (۱۳۹۲ش). کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی. تهران: قدیانی.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۹ش). أصول الکافی، (ترجمه مصطفوی). تهران: اسلامیه.
۴۳. لطفی‌پور ساعدی، کاظم. (۱۳۷۱ش). درآمدی به سخن کاوی. مجله زبان‌شناسی، ۹(۱)، ۳۹-۳۹.
۴۴. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۵. مختاری، قاسم؛ فرجی، مطهره. (۱۳۹۲ش). آشنایی‌زدایی در جزء سی‌ام قرآن کریم. پژوهش‌های ادبی - قرآنی، ۱(۲)، ۹۳-۱۱۶. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23452234.1392.1.2.5.3>
۴۶. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۷. مهرآیین، مصطفی؛ قبادی، علیرضا. (۱۳۹۹ش). تحلیل گفتمان خطبه فدکیه حضرت زهرا(س). نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۱۰(۲)، ۲۲-۹. <https://doi.org/10.22059/jstmt.2021.302278.1356>